روزنه

قانون حما

توماس فریدمن
مترجم: مرجان یشایایی

■ گذشت سه دهه همه چیز را دگرگون کرده است. در آوریل ۱۹۸۲ من به عنوان خبرنگار تایمز به بیروت رفتم. قبل از ورودم، جهان نگاه خود را بیش از بیروت به قیام مردم حما در سوریه دوخته بود؛ شهری که با چاه‌های آب و رودخانه مجاورش می‌شناختندش.

شایعاتی که از حما می‌آمد حاکی از آن بود که حافظ اسد، شورش در آن شهر را با گلوله‌باران مرکز و اطراف محل ناآرامی‌ها خاموش کرده، پس از آن ساختمان‌های منطقه را با برخی ساکنان آن، منفجر و هر آنچه دیده می‌شود را با خاک یکسان کرده است. مشکل می‌شد باور کرد و مشکل‌تر می‌شد حقیقت این گفته‌ها را دریافت. در آن زمان هنوز کسی تلفن همراه نداشت و رسانه‌های خارجی هم اجازه حضور در محل را نداشتند.

در ماه می همان سال، همزمان با گشودن دروازه‌های حما، ویزای سوریه گرفتم. می‌گفتند رژیم سوریه شهروندانش را تشویق می‌کند در شهر بگردند، نواحی نابودشده را به چشم ببینند تا بفهمند باید سکوت کنند. پس با یک تاکسی از دمشق به حما رفتم.

آنچه دیدم خوفناک‌ترین چیزی بود که تا به حال با آن روبه‌رو شده‌ام. به نظر می‌آمد یک هفته تمام همه جا را- منطقه‌ای به وسعت چهار برابر یک زمین فوتبال- گردبادی مهیب ویران و زیرورو کرده ولی به واقع مادر طبیعت دستی در این کار نداشت.

این بی‌رحمی بی‌سابقه بود؛ تسویه‌حسابی بین رژیم سوریه و معترضانی که جرأت کرده بودند به مخالفت با آن برخیزند. اگر زمین را در جایی که صاف بود کمی می‌کندید کتابی پاره‌پاره، تکه‌ای از یک لباس یا باقیمانده یک ظرف فلزی را به آسانی پیدا می‌کردید. آنجا میدان کشتار بود. طبق گزارش عفو بین‌الملل، بیش از ۲۰هزار نفر در آن منطقه مدفون شده‌اند؛ به آن سکوت فکر کردم و به آن نام «قانون حما» را دادم.

در آن زمان قانون حما بر سراسر جهان عرب حکم می‌راند، به آن قانون ترس می‌گفتند: بگذارید مردم بفهمند به هیچ قانونی پایبند نیستید، آنان را آنقدر بترسانید که هرگز از ذهن‌شان نیز نگذرد که می‌توانند علیه شما قیام کنند. این قانون در سوریه، عراق، تونس و بقیه کشورهای عربی تا همین چند وقت پیش کارایی داشت.

اما این روزها در جهان عرب، مردم می‌گویند ما ناتوان نیستیم و دیگر نمی‌ترسیم. این کشمکشی است همه روزه در جهان عرب. قانون جدید حما، قانون قدیمی را وارانداخته و واروی قانون قدیمی آن است که دیگر نمی‌ترسیم. خبر خوبی است برای مردم.

هنوز نمی‌توان دانست که حاکمان عرب چه زندگی‌هایی را در طول این چند نسل تباه کرده‌اند، با انجام کشمکش‌های بی‌نتیجه و دستاویز قرار دادن افکار ریاکارانه‌ای که رفتار غارتگرانه آنان را برای چنگ انداختن به حاکمیت توجیه می‌کرد، حضور این رهبران نوید خوشی نبوده. هر چند باید پرسید که آیا بدون آنان کاری از پیش می‌رود؟ آیا می‌توان انتظار داشت که با کنار رفتن این رژیم‌ها، جوامع عرب چون شهروندانی برابر گرد آیند و بر پایه یک قانون اجتماعی بدون حضور مشت آهنین رهبران‌شان با هم زندگی کنند؟ آیا می‌توانند قانون جدید را حاکم کنند که رابطه انسان‌ها نه از سر ترس بلکه براساس احترام متقابل باشد؟ آیا می‌توانند در توافقی همه‌جانبه از حقوق زنان و اقلیت‌ها دفاع کنند؟

آسان نیست؛ حاکمان آنان پشت سر خود هیچ جامعه مدنی بر جای نگذاشته‌اند و این مردم هیچ نهاد یا تجربه دموکراتیکی ندارند که بتوانند با آنها کار را پیش ببرند. به نظر می‌آید عراق نخستین تجربه گذار از قانون قدیمی حما به توافقی همه‌جانبه‌باشد.

اکنون یمن، لیبی، مصر و تونس همه در تلاش برای گذار به چنین مرحله‌ای هستند ولی داور بی‌طرفی نیست که به آن رو آورند. چنین گذاری در این منطقه بی‌سابقه بوده و از هم‌اکنون می‌توان دشواری آن را به طور کامل دید. هنوز بر این باورم که انگیزه‌های دموکراتیک این مردم برای بیرون راندن حاکمان‌شان اقدامی قهرمانانه و بس بزرگ بوده و در نهایت مردم همه آنان را به زیر خواهند کشید، ولی هنوز راهی در پیش است برای دیدن افق‌های تازه.

فکر می‌کنم مروان معاشر، وزیر خارجه سابق اردن به درستی می‌گوید: «نمی‌توان انتظار داشت این روند به آسانی و یکشبه ادامه یابد. هیچ حزب واقعی سیاسی یا نهاد جامعه مدنی آمادگی به دست گرفتن اوضاع را ندارد. به نظرم بهتر است به جای «بهار عرب» به آن نام «بیداری عرب» را بدهیم.

شاید چند سال طول بکشد که بتوان حاصل آنچه را امروز می‌گذرد، ببینیم. این مردم برای نخستین بار دموکراسی را تجربه می‌کنند. شاید در عرصه‌های سیاسی یا اقتصادی اشتباه کنند، ولی من هنوز به آینده امید دارم زیرا مردم باور دارند که دیگر ناتوان نیستند.»

نیویورک تایمز

عکس: میلاد پیامی/شرق

پیش‌بینی سفیر لبنان در مورد کیفرخواست دادگاه حریری:

می‌توانیم بگوییم متهمان را پیدا نکرده‌ایم

ادامه از صفحه اول

به نظر می‌رسد این دولت بیشتر از همه محصول واکنش حزب‌الله به کیفرخواست دادگاه ترور رفیق حریری است، در واقع عمل پیشگیرانه‌ای است از طرف حزب‌الله؛ از این منظر دولت جدید را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بعد از ترور رفیق حریری یک نوع زلزله سیاسی در لبنان و حتی در منطقه اتفاق افتاد. دولت‌های بزرگ از این به عنوان دستاویزی استفاده کردند که به یک نوع اختلاف و تفرقه بین شیعه و سنی به وجود بیاورند و در واقع از این اتفاقاتی که افتاد، سوءاستفاده کنند و به همین دلیل موج رسانه‌ای به راه انداختند ولی لبنانی‌ها هوشیار بودند و مانع از سوءاستفاده آنها شدند. البته در حال حاضر، دادگاه و این کیفرخواست تلاش‌هایی برای ادامه موجی است که سابقا دنبالش بودند و تلاش می‌کردند نوعی هجمه سنی بر شیعه به وجود آورند. البته برخی از مسایل این کیفرخواست اثبات نشده و برخی دیگر هم غیرمنطقی است. تلاش‌هایی از طرف‌های متهم در این کیفرخواست باید انجام بگیرد تا برخی از ابهامات روشن شود. البته حکومت لبنان حکومت یک حزب نیست و تمام گروه‌های سیاسی و سازمان‌ها در آن نقش دارند. در واقع نمایندگان مجلس لبنان بر اساس اصول دموکراتیک و از طرف ملت انتخاب می‌شوند. تغییراتی اتفاق افتاد که منجر به سقوط دولت پیشین شد. این حرکت کاملا دموکراتیک بود. بر اساس قانون اساسی لبنان ، وزرا می‌توانند استعفا بدهند و اگر این استعفاها به یک سوم اعضای کابینه برسد، کابینه سقوط می‌کند و این امر کاملا بر اساس قانون اساسی لبنان است. حکومت جدید هم بر اساس همین قانون‌اساسی تشکیل شد. البته حکومت لبنان این مساله را درک می‌کند که باید با سازمان‌های بین‌المللی مثل دادگاه ترور رفیق حریری همکاری کنند و در کنار این، مسایل داخلی لبنان وجود دارد. لبنانی‌ها می‌دانند که دغدغه اصلی حکومت، استقرار داخلی و ثبات سیاسی و حفظ توازن بین نیروهاست.

دادگاه رسیدگی به ترور رفیق حریری نام و تصویر چهار عضو حزب‌الله را به عنوان متهم منتشر کرده است. سمت و سوی تحولات اخیر را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

مقاومت، جزیی از استراتژی دفاعی در مقابل هر نوع تجاوز اسراییل به لبنان است. استراتژی دفاعی لبنان بر اساس سه رکن ملت، ارتش و مقامت است. مقاومت از سوی ملت حمایت می‌شود و رهبری حکیمانه‌اش در زندگی اجتماعی و سیاسی مردم لبنان نقشی حیاتی دارد. مقاومت معتقد است که دادگاه ترور رفیق حریری از بدو پیدایش‌اش یک دادگاه سیاسی بوده است و به این دلیل هرگونه کیفرخواست یا تصمیم این دادگاه را قبول ندارد. دادگاه مانند یک شمشیر در برابر مقاومت است که در ابتدا تعدادی از رهبران سوریه و دیگر کشورها را مورد هدف قرار داد، سپس از این هدف برگشت و حالا افرادی از مقاومت را متهم کرده است. مقاومت معتقد است که اتهامات این اشخاص سیاسی است و در واقع خود این اشخاص مورد اتهام قرار نگرفته‌اند و هدف دادگاه مقاومت است. بعد از سال ۲۰۰۰ و خروج اشغالگران، تصمیم گرفتند که در یک جنگ مقاومت را از بین ببرند. مقاومت معتقد است که اینها وقتی از اعمال‌شان نتیجه نگرفتند به این روش رو آورده‌اند. عملیات‌های مقاومت بسیار مخفیانه است و فقط اعضای بلندمرتبه مقاومت از آن اطلاع دارند. کسانی که در این کیفرخواست مورد هدف قرار گرفته‌اند، در حد امکان از دید مخفی هستند و کارهایشان را مخفیانه انجام می‌دهند تا تعرضی به آنها صورت نگیرد، البته حکومت لبنان به وظایف بین‌المللی خود عمل می‌کند بر همین اساس حکومت جدید اعلام کرده با سازمان ملل و دادگاه بین‌المللی همکاری می‌کند تا حدی که به استقلال ملی و ثبات سیاسی لبنان ضربه‌ای وارد نشود.

میقاتی از یک سو اعلام کرده که با دادگاه همکاری می‌کند -این همکاری به معنی دستگیری متهمان است- و از طرف دیگر متحد سیاسی حزب‌الله به شمار می‌رود. این مساله چگونه قرار است حل شود؟ آیا همان‌گونه که برخی پیش‌بینی می‌کنند تنها راه باقیمانده در برابر میقاتی استعفاست؟

همه امور در لبنان و حتی قضیه کیفرخواست موضوعاتی هستند که در انتها بین گروه‌های مختلف بر سر آنها توافق می‌شود حتی خود سعد حریری در جایی اعلام کرده که این خواست‌های دادگاه سیاسی است. اگر این موضوع به درجه‌ای برسد که امکان ایجاد بحران در لبنان را تقویت کند، در نهایت بر می‌گردیم به گفت‌وگو و به توافق بین گروه‌ها متوسل می‌شویم. اگر قرار باشد این کیفرخواست به مقاومت آسیبی برساند، گروه‌های لبنانی به نتیجه مشترکی خواهند رسید. برخی از گروه‌های لبنانی معتقدند که اصلا نباید با دادگاه همکاری شود به دو دلیل؛ یکی اینکه این دادگاه سیاسی است و دیگر اینکه از طرق خاصی حمایت می‌شود. ولی بعضی دیگر از گروه‌ها معتقدند که بحث دادگاه اجرای عدالت است. موضوع کیفرخواست بین این دو موضوع قرار گرفته یعنی عدالت و ثبات داخلی لبنان؛ حکومت جدید بین این دو موضع خود را اتخاذ کرده است. به این معناکه تا حدی که به ثبات داخلی لبنان آسیبی نرسد، با دادگاه همکاری می‌شود. سعد حریری هم در دیدار با بشار اسد اعلام کردند که اتهامات وارده به سوریه سیاسی است بنابراین در لبنان توازن سیاسی حکومت به گونه‌ای است، که در نهایت گروه‌های مختلف در مورد مسایل مختلف لبنان هنگامی که به درجه‌ای از بحران برسند، پس از گفت‌وگو به نتیجه مشترک می‌رسند. البته دادگاه‌های بین‌المللی برخی از سران کشورها را هم متهم و حتی محکوم کرده‌اند، مانند عمرالبشیر رییس‌جمهور سودان ولی ایشان در مراسم استقلال سودان جنوبی در کنار رییس سازمان ملل نشستند و اتفاقی نیفتاد.

به هر حال کیفرخواستی صادر شده است. در صورتی‌که مهلت دادگاه تمام شود و فشارهای بین‌المللی افزایش پیدا کند واکنش میقاتی چگونه خواهد بود؟

البته من فکر می‌کنم مهلت ۳۰روزه در واقع ۳۰روز کاری است نه مهلت یک ماهه! ولی به هر حال این مهلت در حال اتمام است. اگر در این فرصت دولت لبنان نتواند این افراد را دستگیر کند و آنها را تحویل دهد، دو جواب می‌تواند داده شود. جواب اول اینکه دولت لبنان مانند بسیاری از کشورها می‌تواند بگوید که ما نتوانستیم این افراد را پیدا کنیم. جواب دوم این است که ما در حال جست‌وجو هستیم. حکومت لبنان می‌تواند این‌گونه پاسخ دهد تا اینکه گروه‌های داخلی لبنان بر سر این موضوع به توافق برسند.

میقاتی همیشه در سیاست لبنان نقش نیروی گذار و حلال اختلافات را داشته است، در حال حاضر نقش ایشان چیست؟

میقاتی با حکومت سابق اش نشان داد که می‌تواند لبنان را از شرایط دشوار عبور دهد. در آن دوره ما نیاز به نخست‌وزیری داشتیم که بر اساس عرف سیاسی لبنان حتما باید سنی باشد. ما نخست‌وزیری را می‌خواستیم که شخص معتدلی باشد و به تمام گروه‌های لبنانی نزدیکی داشته باشد تا بتواند مرحله انتخابات را با موفقیت از سر بگذراند که این اتفاق افتاد. اکنون نیز در شرایط ویژه‌ای هستیم بیشتر به دلیل فشارهای دادگاه بین‌المللی و اتفاقاتی که در کشورهای عربی به وقوع پیوسته است. ما نیاز به شخصیتی داشتیم که علاوه بر اعتدال و میانه‌روی روابط مناسبی با کشورهای منطقه داشته باشد. شخصیت کاریزماتیک میقاتی و ارتباط‌شان با گروه‌های مختلف داخلی و در سطح بین‌المللی باعث می‌شود که ایشان بتوانند در داخل لبنان توازن برقرار و ارتباط با کشورهای خاورمیانه و در سطح بین‌المللی را حفظ کنند

موضع میقاتی در مورد بحثی که ائتلاف ۱۴مارس در زمینه خلع سلاح لبنان مطرح می‌کنند، چیست؟

این موضوع هم نیاز به توافق میان گروه‌های سیاسی لبنان دارد. در حکومت سابق به ریاست سعد حریری نکته اساسی مطرح شد به این معنا که دفاع از لبنان بر اساس ترکیب سه‌گانه ملت ارتش و مقاومت است. این موضع مقدس در دولت جدید نیز حفظ خواهد شد ما نیت‌های پلید اسراییل نسبت به لبنان را می‌شناسیم، بنابراین طبیعی است که ما نیاز به مقاومت داریم و مقاومت هم بدون سلاح غیرممکن است. مساله‌ای که باید مورد گفت‌وگو قرار داده شود، چگونگی اداره مقاومت، رهبری و سلاح مقاومت است. گفت‌وگو در لبنان مسایل زیادی را تاکنون حل کرده است. ریاست این گفت‌وگوها بر عهده ریاست جمهوری است که در دوران ریاستش بسیاری از این اختلافات را حل کرده است. سلاح مقاومت هم مربوط به یک گروه نیست و مربوط به تمام لبنان است.

قرار بود نجیب میقاتی به عربستان سفر کند، آیا این سفر انجام می‌شود؟

میقاتی در دولت قبلی‌شان هم با کشورهای عربی روابط مناسبی داشتند و در این دولت هم این روابط ادامه خواهد داشت و دیدارهای رسمی که در آینده خواهند داشت، عمق روابط‌شان با کشورهای عربی و دیگر کشورهای دوست را نشان خواهد داد.

در ماه‌های اخیر برخی ناآرامی‌ها در «جبل محسن» و برخی اعتراضات برای عبور از سیستم طایفه‌گری و رسیدن به یک سیستم دموکراتیک صورت گرفت. در شرایط موجود چقدر احتمال ادامه این ناآرامی‌ها وجود دارد؟

اتفاق جبل محسن در واقع بین دو منطقه محروم که از اوضاع اقتصادی و اجتماعی نامناسبی رنج می‌برند، به وقوع پیوست. اولویت دولت جدید لبنان، بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی در مناطق مختلف لبنان به خصوص جبل محسن است. البته نیروهای امنیتی به سرعت در این مساله دخالت کرده و آن را پایان دادند و اوضاع به شرایط طبیعی خود بازگشت. البته طبیعی است که لبنان از تغییرات و جنبش‌هایی که در کشورهای اطراف اتفاق می‌افتد، تاثیرپذیر باشد مثل اوضاع سوریه که می‌تواند بر طرابلس که ترکیب جمعیتی و دموگرافیک آن از سوریه تاثیر می‌پذیرد، اثر بگذارد. بعد از اتفاق جبل محسن ما شاهد اتفاقات مشابه نبودیم. عرصه لبنان بسیار شفاف و دموکراتیک است. در بین کشورهای منطقه، لبنان دارای بالاترین سطح آزادی بیان است. در لبنان استعفای وزرا سقوط دولت‌ها و تظاهرات، امری کاملا طبیعی است. البته تغییر از نظام طایفه‌ای به نظامی دموکراتیک نیاز به جایگزین دارد که فعلا جایگزینی که بتواند ترکیب فعلی و حقوق تمام اقلیت‌ها را حفظ کند، وجود ندارد. حتی در قانون اساسی لبنان تاکید شده که نظام طایفه‌ای باید جایگزین شود و یک هیات ملی برای تغییر نظام موجود وجود دارد، البته تغییر نظام طایفه‌ای سیاسی امکان دارد ولی به تدریج و به مرور زمان؛ در لبنان ۱۸طایفه دینی و مذهبی وجود دارد که چهار طایفه اسلامی و بقیه مسیحی هستند و هر یک رسومات مخصوص به خود را دارند. ما هم معتقدیم که نظام فعلی طایفه‌ای سیاسی باید جایگزین شود ولی هنوز برنامه جایگزین ترسیم نشده است. البته تغییراتی هم به وجود آمده است مثلا نظام استخدام کشوری تابع نظام طایفه‌ای بود مثلا امکان داشت شخصی که سنی بود و در امتحانی رتبه اول را کسب می‌کرد ولی به دلیل وجود برخی قوانین پذیرفته نمی‌شد و شخصی که مارونی بود و رتبه هشت را کسب کرده بود در آن شغل پذیرفته می‌شد. در حال حاضر نظام استخدام کشوری بر اساس سیستم طایفه‌ای نیست ولی هنوز نیمی از مدیران ارشد یعنی مدیرکل به بالا باید مسلمان باشند و نیمی دیگر مسیحی مثلا مدیرکل ثبت واحوال حتما باید سنی باشد و...

> **عملیات‌های مقاومت بسیار مخفیانه است و فقط اعضای بلندمرتبه مقاومت از آن اطلاع دارند. کسانی که در این کیفرخواست مورد هدف قرار گرفته‌اند، در حد امکان از دید مخفی هستند و کارهایشان را مخفیانه انجام می‌دهند تا تعرضی به آنها صورت نگیرد**

در حال حاضر نفوذ و قدرت سوریه در لبنان به چه میزان است؟

اوضاع سوریه و لبنان به هم مرتبط است چون ما دشمن مشترکی به نام اسراییل داریم و حتی ترکیب جمعیتی و دموگرافیک لبنان و سوریه تقریبا به یک شکل است. به همین دلیل قاعده‌ای وجود دارد که امنیت سوریه از امنیت لبنان است و امنیت لبنان از امنیت سوریه؛ استقرار و ثبات در سوریه برای لبنان ضروری است و ما معتقدیم که تغییراتی که در سوریه در حال وقوع است، باید به صورت تدریجی و اصلاح‌طلبانه انجام بپذیرد. نظام سوریه باید به خواسته‌های ملت بها بدهد و اسد گام‌هایی را برای اصلاحات اساسی در این کشور بردارد.

اگر اعتراضات به تغییر حکومت سوریه منجر شود، چه اتفاقی در روابط لبنان و سوریه خواهد افتاد؟

روابط در اصل بین ملت‌هاست و نظام‌ها خواسته ملت‌ها را اجرا می‌کنند، البته ما مطمئن هستیم که تغییرات در سوریه به آرامی اتفاق خواهد افتاد. البته ارتش سوریه می‌تواند این حالت بی‌ثباتی را آرام کند. ما معتقدیم که هر لرزش امنیتی در سوریه بر لبنان اثر می‌گذارد چون تجارت و صنعت توریسم لبنان بسیار به سوریه مرتبط است و ۶۰ درصد تجارت لبنان از طریق سوریه است همچنین بین این دو کشور روابط اجتماعی تنگاتنگی وجود دارد.

جریان اختلافات اخیر میان لبنان و اسراییل بر سر میادین نفت و گاز چیست؟

یک‌سری میادین در منطقه فلات قاره لبنان کشف شده است. توافقی بین لبنان و قبرس وجود دارد که فلات قاره این دو کشور را در دریای مدیترانه مشخص کند. البته لبنان به وجود کشوری به نام اسراییل اعتراف نمی‌کند به جز در سایه همکاری با سازمان ملل، به همین خاطر هنوز مرزهای آبی بین اسراییل و لبنان تعیین نشده است. اسراییل بر اساس توافق بین لبنان و قبرس، حدودی را بر اساس منافع خود رسم کرده که لبنان این خطوط را نمی‌پذیرد و به همین دلیل به سازمان ملل اعلام کرده و قرار است که هیاتی از طرف سازمان ملل، مرز دریایی رسمی بین فلسطین اشغالی و لبنان را ترسیم کنند.

با توجه به شرایط موجود بین لبنان و اسراییل تا چه حد امکان وقوع جنگی دیگر وجود دارد؟

البته دشمنی اسراییل و نیت حمله به لبنان همیشه وجود دارد اما آنچه مانع این امر می‌شود، وحدت ملت لبنان و ثبات داخلی و وجود نیروهای امنیتی و مقاومت است. رهبران لبنانی بارها اعلام کرده‌اند که از هر قطره آب و هر ذره خاک و حقوق طبیعی این کشور دفاع می‌کنند از جمله این حقوق نفت و گاز است. همان‌طور که می‌دانید برخی مطالعات از طریق شرکت‌های خارجی در لبنان صورت گرفته است، البته فشارهایی از جامعه جهانی به این شرکت‌ها وارد می‌شود چون اسراییل خطوط قرمزی را رسم کرده ولی این باعث نمی‌شود که لبنان از احقاق حقوق خود دست بکشد. بعد از عقب‌نشینی اسراییل در سال ۲۰۰۰ یک خط مرزی از مرزهای شرقی و با کمک نیروهای سازمان ملل کشیده شد و در حال حاضر لبنان خواستار این است که مرزهای آبی نیز به همین روش ترسیم شود.

شما بیان کردید که رژیم اسراییل را تنها در چارچوب همکاری با سازمان ملل به رسمیت می‌شناسید. لبنان در چه شرایطی حاضر است هم زیستی مسالمت‌آمیزی با این رژیم داشته باشد؟

لبنان یکی از اعضای فعال اتحادیه عرب است و این اتحادیه برای پذیرش اسراییل مجموعه شرایطی دارد که شامل برقراری صلح عادلانه، فراگیر و مستمر در خاورمیانه و تشکیل حکومت فلسطینی به پایتختی قدس است. ۵۰۰ هزار نفر از فلسطینیان در لبنان پناهنده هستند که در شرایط سختی به سر می‌برند. از طرفی منابع اقتصادی لبنان به قدری است که فقط نیازهای خود لبنان را تامین کند و از جهت دیگر ترکیب جمعیت لبنان به گونه‌ای است که نمی‌تواند این حجم از پناهندگان را بپذیرد، همچنین در مقدمه قانون اساسی لبنان قبول شهروند از کشورهای دیگر ممنوع است ولی لبنان از قطعنامه ۲۴۲ و ۱۹۴ مبنی بر بازگشت فلسطینی‌ها به کشورشان و تشکیل حکومت فلسطینی حمایت می‌کند.

دریچه

دولت شهروندی

■ از زمانی که جنبش‌های سیاسی عربی در تونس شروع شد و سپس مانند یک سونامی به تمام کشورهای عربی سرایت پیدا کرد، می‌بینیم که یکی از خواسته‌های این جنبش‌ها دست یافتن به یک دولت شهروندی عنوان می‌شود. البته در این‌باره اظهارنظرهای متفاوتی می‌شود که تا حدی این اصطلاح را سطحی می‌کند. یکی از سطحی‌نگری‌ها این است که بگوییم دولت شهروندی، دولتی غیرنظامی است یعنی برعکس دولت‌های نظامی. یا صرفا گفته می‌شود این دولت با یک حکومت دینی تفاوت دارد. ما در کشورهای عربی تبدیل دولت‌های نظامی به یک دولت غیرنظامی را بارها تجربه کرده‌ایم و دیدیم که ما را به عنوان شهروندان عرب به هیچ بهشتی هدایت نکردند. همچنین حکومت‌های دینی را در تاریخ خود تجربه کرده‌ایم و پیامدهای آن را چشیده‌ایم. بنابراین به دنبال حکومتی هستیم که ما را از دغدغه‌ها و فشارهایی که تاکنون بر ما تحمیل می‌شد، رهایی بخشد.

اینچنین خواسته‌هایی است که ما را به ماهیت یک دولت شهروندی رهنمون می‌کند. من در اینجا نمی‌خواهم به آرا، نظرات و برداشت‌های دانشمندانی بپردازم که در این‌باره قلم‌فرسایی کرده‌اند. بلکه صرفا می‌خواهم از یک منطق ایمانی و فردی و بدون اتکا به آرای دیگران به این موضوع بپردازم. دولت شهروندی به اعتقاد من یعنی دولت همه شهروندان صرف نظر از نژاد، تبار و جنسیت یا عقیده. دولتی که اصلی‌ترین هدفش تقویت روح وحدت ملی و ترویج روحیه امید باشد. البته در این‌باره می‌توان به فروع دیگری نیز اشاره کرد از جمله دولت حقوق و تکالیف؛ یعنی اینکه هر شهروندی ابتدا از یک حقوقی باید برخوردار باشد تا بتوان از او انتظار انجام تکالیفی را داشت.

اما دولتی که مدنظر ماست، یک دولت مبتنی بر برابری و ایجاد فرصت‌های مساوی است. دولتی که قانون بر آن حاکم باشد و در آن شهروندی به دلیل نیت‌های درونی‌اش مورد مواخذه قرار نگیرد. یک گرسنه فقیر که نانی دزدیده باشد به دادگاه کشانده نشود حال آنکه دزدان ثروتمند بر تمام امکانات یک جامعه پنجه انداخته باشند؛ یعنی صاحب‌منصبانی که در بعضی از دولت‌های ما نه تنها خطری آنها را تهدید نمی‌کند بلکه به آنها جایزه هم می‌دهند.

دولتی که اعراب به دنبال آن هستند دولتی است که در آن رسانه‌ها آزاد باشند و روزنامه‌نگاران به دور از القائات رسمی حکومت‌ها بتوانند عمل کنند. یعنی صرفا بوق‌هایی نباشند که بتوان آنها را به اجاره درآورد تا از کسانی ستایش کنند که شایستگی آن را ندارند و دست به ترور اشخاصی بزنند که صاحبان قدرت حضور آنها را خوش نمی‌دارند. اینچنین دولتی باید خالی از سیطره کانون‌های امنیتی باشد و در آن تلفن ده‌ها نفر بدون اجازه آنها کنترل نشود. قوه قضاییه در آن پاک و سالم باشد و تحت تاثیر القائات خارجی قرار نگیرد و هیچ قدرت دیگری نتواند نفوذش را به تعطیلی بکشاند. طبیعی است در چنین دولتی دیگر کسی نباید به جرم نظریاتش تحت تعقیب قرار گیرد؛ زیرا وقتی یک جامعه مدنی خالی از روح تنوع عقاید و آرا باشد دیگر، جامعه‌ای عقیم خواهد بود، مانند درختی که سایه دارد ولی میوه نمی‌دهد.

یک دولت شهروندی در صورتی که نیت‌های صادقانه‌ای پشتوانه‌اش باشد، آسان به دست می‌آید؛ زیرا همه لوازم آن را داریم. ما می‌توانیم به چنین مرحله‌ای از حکومت دست یابیم؛ زیرا چنین دولتی است که زندگی شرافتمندانه و آسایش روحی و امنیت و اطمینان خاطر را به همراه خواهد آورد.

این تعریف درست یک دولت شهروندی است که فرستاده کسری انوشیروان، پادشاه ایران به خلیفه گفت: «آری ای خلیفه، وقتی عدالت پیشه کنی امنیت به وجود می‌آید و آن وقت تو آسوده خواهی خوابید.» وی زمانی این حرف را زد که به دنبال خلیفه می‌گشت و او را نیافت و هنگامی که پرس‌وجو کرد به او اطلاع دادند که خلیفه بدون هیچ نگهبانی یا نیروی مسلحی زیر یک درخت در مسجد خوابیده است. این درحالی بود که لشکریان عمر داشتند در چهار جهت کره خاکی دست به فتوحات می‌زدند. دولت شهروندی به ترتیبی که ما به دنبال آن هستیم دولت نهادهایی است که به کسی ستم نمی‌کنند. سرزمینی مملو از امنیت، صلح، شکوفایی و پیشرفت است. همگان می‌دانند که وقتی صلح، ثبات، پیشرفت و شکوفایی باشد دیگر نیازی به ایجاد تغییر و برپایی انقلاب نیست و همه تلاش‌ها صرف تحول و پیشرفت می‌شود. وقتی در جامعه‌ای روابط مبتنی بر محبت باشد دیگر کسی با دیگری رقابت نمی‌کند و با دیدن پیشرفت نزدیکانش دچار واکنش‌های منفی نمی‌شود. ما به شدت در این دوران تاریخی به چنین دولت‌هایی نیازمندیم که در آن شهروندان از حقوقی مساوی برخوردار باشند و عدالت در آن به کلنگی برای ویرانی تبدیل نشده باشد. چقدر ما به ابزارهایی برای ساختن نیازمندیم. یک دولت شهروندی ، دولتی مبتنی بر قانون است. دولتی که در آن قانون بر حاکمان تسلط داشته باشد؛ نه مردم عادی و ثروتمندان در آن مورد مواخذه قرار گیرند، نه فقیران و محرومان.

منبع: الرایه چاپ قطر